

داستان این مسجد مثنوی ۷۰ من کاغذ است

این روزها اگر از چهار راه ولیعصر (عج) و نزدیکی تئاتر شهر گذر کرده باشید حتما ساختمانی را دیده‌اید که با شکل و شمایلی مدرن در ضلع جنوبی تئاتر شهر جا خوش کرده؛ جایی که یک زمان پارکینگ بود و الان با دو نام متفاوت بر سرش دعواست؛ یکی مجتمع فرهنگی و مذهبی حضرت ولیعصر(عج) و دیگری مسجد جامع و مجتمع فرهنگی اسلامی و حوزه حضرت ولیعصر (عج)!

به گزارش ایسکانیوز، این ساختمان که حدود ۱۴ سال از کلنگ‌زنی آن می‌گذرد و چند هفته‌ای است رنگ و رُخش با برداشتن حصارها بیشتر نمایان شده، با حاشیه‌های زیادی در طول این سال‌ها روبه‌رو بوده و این حاشیه‌ها حتی الان هم که ساختمان به نظر می‌رسد برای بهره‌برداری آماده است، با همین نامگذاری متفاوت و نصب دو تابلو و نشان، ادامه دارد؛ شاید هم به قول بعضی‌ها هیچ وقت رنگ سرانجام و آرامش به خود نبیند.

داستان این مسجد، مجتمع فرهنگی، حوزه علمیه، حسینیه یا شاید در آینده مجتمع تجاری، از زمانی شروع می‌شود که عده‌ای قصد می‌کنند بنایی را به عنوان مسجد در ضلع جنوبی تئاتر شهر، یعنی جایی که پارکینگ این مکان بود، بسازند و همین، نقطه‌ی آغاز تمام تنش‌ها می‌شود. زمین کنار تئاتر شهر از قبل از انقلاب اسلامی به عنوان پارکینگ مجموعه استفاده می‌شد و اگرچه این بنای فرهنگی و تاریخی همواره به دلیل فضای ناامنی که افراد ناهنجار و غیر فرهنگی در این محل به وجود می‌آوردند مشکلاتی داشت، اما ساخت مسجد در کنار تئاتر شهر، آن هم به جای پارکینگ، صدای اعتراض هنرمندان و اهالی تئاتر را درآورد؛ هنرمندانی که الان حتما گله‌ای صد چندان دارند وقتی می‌بینند آنچه از دست دادند با وعده‌ی ساخت مسجد بود و حالا بنایی ساخته شده که گفته می‌شود در مکاتبات اداری، مجتمع فرهنگی و نمازخانه معرفی شده است.

این ساختمان قرار بود مردادماه امسال افتتاح شود تا به گفته یکی از کسانی که از این پروژه کم و بیش اطلاعات خوبی دارد، در اختیار مردم قرار داده شود که برای برگزاری همایش و جشن مورد استفاده قرار گیرد، اما عمر شورای شهر چهارم و شهرداری محمدباقر قالیباف قد نداد تا آنچه در دوره مدیریت آن‌ها به این شکل ساخته شده است، به طور رسمی رونمایی شود.

البته به دلیل پیچیدگی‌ها و حاشیه‌های زیادی که این ساختمان و پرونده‌اش داشته و دارد، برخی کسانی که اطلاعی از روند کار دارند یا در زمانی تصمیم گیرنده بودند، تمایلی به گفت‌وگوی رسمی در این مورد نداشته و حتی در مواردی خبرنگار ایسنا را از پیگیری این موضوع برحذر داشتند و دعوت به مسکوت نگه داشتن آن کردند، اما با این حال تلاش شده است در این گزارش برداشت شخصی از ماوقع نشود و تنها به روایت ماجرا از دید کسانی بپردازیم که در طول سال‌های گذشته به نحوی در آن دخیل بوده یا شاهدی بر روند اتفاقات بوده‌اند.

به این ترتیب شاید بد نباشد اول از روحانی‌ای شروع کنیم که می‌گوید ۳۰ سال است در این محل خاک می‌خورد تا مسجدی ساخته شود و او بتواند به عنوان امام جماعت در آن نماز اقامه کند. حجت‌الاسلام میرحیدر جعفری مدعی است که زمین کنار تئاتر شهر با وسعت حدود پنج‌هزار مترمربع از سوی فردی به نام مهندس مدد (معاون شهردار تهران پس از انقلاب) وقف شده تا در آن مسجد ساخته شود ولی در طول بیش از یک دهه، شهرداری تهران با مدیریت‌های مختلف به دنبال بهره‌برداری از آن بوده است تا ساختمانی که قرار بوده مسجد شود را به قولی از چنگش در بیاورند.

او می‌گوید، وقتی قرار شد این زمین مسجد شود، نقشه‌ای توسط استاد نقره‌کار - طراح و معمار معروف مسجد - تهیه می‌شود که در آن دو طبقه پارکینگ و سالن کنفرانس و مسجد در کنار هم گنجانده می‌شوند، اما کمی بعد با مشخص شدن ارتفاع گنبد این بنا که از ساختمان ثبت ملی شده‌ی تئاتر شهر بالاتر می‌رفت کار متوقف می‌شود.

وی با ابراز ناراحتی و بیان اینکه در دوران شهرداری غلامحسین کرباسچی برخی همکاری‌اش در سازمان اوقاف با شهرداری توافق می‌کنند تا فقط دو هزار متر این زمین مسجد شود و باقی به مجتمع فرهنگی تبدیل شود، اظهار می‌کند: احمدی‌نژاد وقتی شهردار، قبول کرد که از ساخت این مسجد جامع حمایت کند و حتی وقتی رییس‌جمهور شد یک بار تماس گرفت تا از روند کار مطلع شود که به او گفتم کمبود بودجه داریم؛ او هم دستور داد سه میلیارد تومان کمک کنند؛ هر چند آخر یک قران از آن پول به ما نرسید. تا اینکه بعد از مدتی حس کردم نقشه‌ی کار را عوض کرده‌اند و طرح اسلامی مسجد جامع به یک طرح غیراسلامی تبدیل شده است.

جعفری که از این موضوع بسیار گله‌مند است، گویا به دستگاه‌های مختلفی مراجعه می‌کند، اما به نظر می‌رسد شکایت‌هایش راه به جایی نمی‌برند و در نهایت با تغییر طراح نقشه و خود نقشه، مناره و گنبد از بنا حذف و اثری مدرن در کنار تئاتر شهر ساخته می‌شود که به گفته مهدی حجت - یکی از معمارانی که در طراحی جدید اظهار نظر کرده بود، چاره‌ی دیگری هم جز این نبوده است.

او با تاکید بر اینکه ما با مسجد مخالفتی نداریم و اصلاً چرا باید مخالفتی باشد؟! بیان می‌کند: شهرداری دو بار کارهایی را انجام داد که باعث آسیب زدن به تئاتر شهر شد؛ یکی برای ساخت همین مسجد و یکی هم برای مترو و درک نمی‌کنم چرا باید در کنار یکی از زیباترین و بی‌نظیرترین بناهای تاریخی ایران چنین اتفاقی بیفتد. مخصوصاً اینکه این ساختمان کنار تئاتر شهر مسجد هم نشد و به مجتمع فرهنگی تبدیل شده است و شایسته نبود پارکینگ تئاتر شهر را بگیرند و چنین کاری کنند.

البته اگرچه کلنگ این بنا به نام مسجد زده شد و با همین عنوان مسجد بسیاری از معترضان مجبور به سکوت شدند، اما خیلی‌ها از همان ابتدا بر این باور بودند که ساخت مسجد یک بهانه است و حالا که نامی از مسجد روی این ساختمان نیست، شاهدی بر آن ادعاهاست. در این باره حتی مجید جعفری معتقد است: اصلاً بعید نیست که این مجتمع کاربری تجاری هم داشته باشد و شاهد اتفاقات دیگری در آن باشیم.

این وضعیت محوطه اطراف تئاتر شهر در زمان مدیریت حسین پاکدل که پس از مدیریت ۱۱ ساله‌ی جعفری به تئاتر شهر آمد خیلی جدی‌تر می‌شود؛ چون علاوه بر ساخت‌وساز، شرایط بد غیرفرهنگی محیط اطراف و پارک دانشجو چنان بغرنج می‌شود که او به رییس‌جمهور وقت نامه می‌نویسد و در آستانه‌ی یکی از دوره‌های جشنواره‌ی تئاتر فجر از او استمداد می‌طلبد.

در بخشی از این نامه نوشته شده بود: این روزها اگر گذر کسی به اطراف تئاتر شهر بیفتد، از نزدیک شاهد دردآورترین صحنه‌های ممکنه خواهد بود؛ به قول دوستان تئاتری تراژیک‌ترین صحنه‌های واقعی. این ساختمان بی‌پناه و فراموش شده، تقریباً به تمامی در محاصره اوباش، ولگردان، معتادان، منحرفین و بی‌خانمان‌هایی است که شبانه روز در اطراف آن یا پرسه می‌زنند یا اطراق کرده‌اند و با حضور پررنگ خود فعالیت‌های مجموعه را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند؛ هنرمندان، تماشاگران و خانواده‌ها از بیم حضور این همه معتاد و ولگرد و یاغی احساس ناامنی کرده و گاه از خیر مراجعه می‌گذرند. این روزها در اطراف این ساختمان، بی‌وقفه شعله‌های دود و آتش به هوا بلند است. در گوشه و کنار آن معتادین برای گرم کردن خود آتش می‌افروزند و در طول روز نیز اگر کسی قصد عبور و مرور داشته باشد، بی‌شک در چند جا پایش را روی سر و دست و پای افرادی می‌گذارد که در مسیر در زیر جل پاره یا مقوا و روزنامه در اثر استعمال مواد مخدر به خواب

رفته‌اند یا چرت می‌زنند. پارکینگ اختصاصی این مجموعه توسط شهرداری منطقه ضبط شده و اجازه بازسازی داده نمی‌شود و همه شب توسط ولگردان، معتادین و سارقین به خودروهای تماشاگران و هنرمندان آسیب می‌رسد و اشیاء داخل آن‌ها به سرقت می‌رود، لذا هیچ مراجعه کننده‌ای امنیت خاطر ندارد.

در ادامه این نامه خطاب به رییس جمهور وقت آمده است: از سال ۷۶ که بنده مسوولیت اداره این مجموعه فرهنگی را پذیرفتم، تلاش بی‌وقفه‌ای برای پاکسازی و بهسازی اطراف آن شروع شد. اول با شهرداری محترم وقت جناب کرباسچی صحبت و مذاکره شد، ایشان چند بار تشریف آوردند، از نزدیک بازدید کردند و قبول نمودند اساس برداشتن حصارهای اطراف این مجموعه کار اشتباهی بوده است و دستور دادند طرح متناسب و زیبایی برای محصور کردن و حفاظت بهتر از ساختمان آماده شود. لذا با دعوت و همکاری هنرمندان و طراحان بنام کشور از جمله استادان، خسرو خورشیدی، حسین خسروجردی، مرتضی ممیز، ابراهیم حقیقی و دیگران طرح‌هایی آماده شد تا ضمن محصور کردن، و تفکیک آن از پارک دانشجو، زیبایی فزاینده‌ای نصیب تئاتر شهر و خیابان و شهر نماید. طرح‌ها به شهرداری ارائه شد. ولی متأسفانه برخورد نمود به ماجرای شهرداری و دستگیری جناب کرباسچی، بعد پیگیری‌ها با قائم مقام ایشان ادامه یافت؛ طرح‌ها انتخاب و تصویب شد، ولی موکول کردند به بعد از انتخابات شورای اسلامی شهر تهران؛ چنین شد، این شورا تشکیل شد، شهردار جدید جناب الویری انتخاب شد. از ایشان دعوت شد، تشریف آوردند دور و اطراف را بازدید فرمودند، دستورات لازم داده شد، ولی موکول کردند به نظر شورای اسلامی شهر تهران. مجدداً تلاش شد، از اعضای شورا دعوت شد، آمدند، دیدند، همگی مشکل را قبول نمودند و طی جلسه‌ای در تئاتر شهر اعلام نمودند، برای شهر تهران بسیار ننگ است، تنها مرکز تئاتری حرفه‌ای‌اش این گونه با چنین معضل آلوده‌ای مواجه باشد؛ قرار شد اقدام عاجل صورت پذیرد، ولی متأسفانه به دلیل ترور ناجوانمردانه جناب حجاریان، مسئله مسکوت ماند. در طی این مدت مذاکرات و مکاتبات بی‌شماری با شهرداری، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، شهرداری منطقه، فرماندهی نیروی انتظامی منطقه، سازمان پارک‌ها، سازمان زیباسازی، طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ... صورت گرفت، ولی همگی بی‌نتیجه ماند.

البته گویا در همین زمان‌ها بوده که با اوج گرفتن ساخت مسجد و تخریب بخشی از مجموعه‌ی تئاتر شهر در پی گودبرداری، تعدادی از اهالی تئاتر تصمیم به تحصن کردن در مقابل تئاتر شهر می‌گیرند که با وعده‌ی پیگیری احمد مسجد جامعی (وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی) قضیه منتفی می‌شود؛ اما طبق آنچه از برخی تئاتری‌ها روایت می‌شود این وزیر و عضو فعلی شورای شهر چند روز بعد، ساخت مسجد در کنار تئاتر شهر را بلامانع می‌داند.

پیگیری خبرنگار ایسنا برای شنیدن ماجرا از زبان خود مسجدجامعی بی‌نتیجه ماند، چون او ترجیح داد در این باره سکوت کند؛ با این استدلال که این ساختمان دیگر مسجد نیست. البته او یادآور شد، اولین کسی بوده که خواستار عوض شدن طرح ابتدایی مسجد شده تا گنبد و مناره‌ای روی بنا نباشد.

با این حال پیگیری‌های پاکدل در زمان مدیریت خود در نهایت منجر به محصور شدن تئاتر شهر و پارکینگ آن می‌شود ولی کم‌کم ماجرای ساخت مسجد جدی می‌شود و کانکسی هم در داخل پارک به روحانی‌ای که چند سالی در آنجا بود داده می‌شود تا ساخت مسجد تمام شود.

حجت‌الاسلام جعفری در این باره می‌گوید: شهرداری فضایی را داخل پارک به ما داد که البته خرج و مخارج آن را نداد و ما مجبوریم خودمان به نحوی هزینه‌هایمان را تامین کنیم. اینجا آشپزخانه‌ای زده‌ایم که در اعیاد و وفات‌ها و ماه‌های رمضان و محرم برای مسجد غذا می‌پزیم. البته شواهد نشان می‌دهد که گاهی تعدادی غذا هم بیرون داده می‌شود که اگر گذرتان به پارک دانشجو بیفتد، ممکن است بتوانید طعم آن را با پرداخت مبلغی بچشید.

نکته‌ی قابل توجه این است که بخشی از کانکس‌هایی که تابلوهایی با نام‌های مسجد ولیعصر (عج) و شورای حل اختلاف روی آن‌ها نصب شده، زمانی کتاب‌روشی بوده که الان به آمبیه فروشی تبدیل شده است. حتی آشپزخانه‌ای که آنجا تعبیه شده، شب‌هنگام و در یک تاریکی هماهنگ شده با روشن نگه نداشتن مداوم چراغ‌های پارک، محل بروز انواع بزه و جرم در چند قدمی مکان فرهنگی تئاتر شهر شده است و همین‌ها تردد شبانه را برای هنرمندان و تماشاگرانی که اواخر شب نمایشی را به صحنه برده یا نظاره‌گر بودند، سخت می‌کند. هرچند در طول روز هم چندان امنیتی وجود ندارد و شهرداری و پلیس پارک خیلی تلاش خاصی برای شهروندان در این منطقه انجام نمی‌دهند که یک نمونه‌ی عینی آن هنگام حضور خبرنگار ایسنا برای تهیه‌ی همین گزارش و پیش آمدن دو جدال فیزیکی در کمتر از ۲۰ دقیقه بود.

یک روی دیگر این بحث‌ها و ساختمانی که کنار تئاتر شهر علم شده، ایمنی و سرعت عمل در هنگام بروز حادثه است. مدتی قبل یک مانور سه روزه آتش‌نشانی در تئاتر شهر انجام شد که علاوه بر شناسایی راه‌های سریع دسترسی در زمان بروز حادثه، بساری از مشکلات و کمبودها و نقص‌ای این مجموعه و محیط اطراف آن را هم نمایان کرد.

علیرضا جبارزاده - رئیس ایستگاه ۴۶ آتش‌نشانی تهران و فرمانده این عملیات - در گفت‌وگو با ایسنا درباره‌ی راه‌های دسترسی به تئاتر شهر در زمان لازم یا توجه به بسته شدن کوچه پشت این مجموعه که با ساخت این بنا در کنار تئاتر شهر بسته شده است، بیان کرد: از لحاظ ایمنی کوچه‌ی پشت تئاتر شهر یکی از قابل‌دسترس‌ترین راه‌ها برای خودروهای ما و انجام عملیات بود ولی الان متأسفانه از ضلع جنوبی تئاتر شهر به هیچ وجه نمی‌توانیم عملیاتی را انجام دهیم؛ یعنی حتی اگر برای آن ساختمان هم اتفاقی بیفتد بسته شدن آن مسیر برای دسترسی خودروهای ما خوب نبود و می‌شد یک ایستگاه عملیاتی را از آنجا برد که الان دیگر امکانش نیست.

حالا جدا از این مشکلات و نیز حضور انبوه دستفروشان که اطراف تئاتر شهر را زشت می‌کنند، ساختمانی در این چهارراه و کنار یک بنای زیبای تاریخی ساخته شده و چیزی از آن برآمده است که با آنچه تصور می‌شد تفاوت دارد؛ البته شاید بهتر باشد کمی هم صحت این تصور را بررسی کنیم چرا که به نظر می‌رسد از همان ابتدا کاملاً مشخص بوده که اینجا قرار است یک مجتمع فرهنگی باشد و فقط در کنار آن، مسجد یا نمازخانه‌ای هم ساخته شود.

در این باره حجت‌الاسلام حمید مشهدی آقایی - سخنگوی اداره امور مساجد استان تهران - که احتمالاً باید یکی از متولیان باشد و پیگیر اینکه چرا این بنا صرفاً مسجد نشده است، به ایسنا می‌گوید: وقتی می‌گویند مجتمع فرهنگی مذهبی، بنا بر این نیست که اصلاً مسجد نباشد. ما هم طبق قرار و روال کارمان در ساخت و سازها ورود پیدا نمی‌کنیم به همین دلیل این مورد خیلی عجیب و غریب نیست و اینطور نبوده که مرسوم نباشد. ما زمانی ورود می‌کنیم که عنوان مسجد بر بنا صدق کند.

او همچنین درباره وقفی بودن زمین و اینکه گفته می‌شود برای اینجا خطبه مسجد خوانده شده و مگر می‌شود کاربری دیگری داشته باشد؟ بیان می‌کند: کی گفته آنجا خطبه خوانده شده؟ این خطبه، غلط مشهور است. بعضاً جمله‌ای را می‌گویند که گاهی هم نیست، چون هر جایی که دو نفر نماز خوانده شده باشد مسجد شده مثل شهرهای کوچکی که مسجدهای کوچک زیادی دارد. الان هم درباره‌ی این مکان، اینکه عنوان مسجد برایش صدق می‌کند یا خیر را نمی‌دانیم. ضمن اینکه اینجا مسجد بوده و خراب شد تا دوباره ساخته شود. نمی‌دانم زمین‌اش وقفی بوده یا نه ولی اگر قبلاً مسجد بوده پس زمین هم وقفی بوده است.

وی ادامه می‌دهد: مسجد هنوز به ما تحویل داده نشده و ما دخالتی هم در آن نکرده‌ایم چون کلاً قرار ما همین است که هر جا مسجدی

ساخته می‌شود، هیات امنایی منصوب و بعد امام جماعت هم با نظر هیات امنای و تایید امور مساجد تعیین می‌شود.

آقایی همچنین تاکید دارد که شهرداری، مساجد زیادی ممکن است ساخته باشد، اما درباره‌ی آنچه پیش آمده خودش باید پاسخگو باشد. ما به گذشته کاری نداریم و در این پنج سال بنا براین بوده که فقط در بحث نرم‌افزاری ورود کنیم. اصلاً از حدود ۱۰ سال قبل که این بنا قرار بود ساخته شود، ما طبق قرارمان ورود پیدا نکردیم. حتی اگر خیریه هم بخواهد مسجد بسازد ما راجع به کمیت و کیفیت ورود پیدا نمی‌کنیم هرچند دوست داریم به یک الگوی معماری مختص جمهوری اسلامی برسیم. با این حال فقط ممکن است توصیه‌هایی بکنیم که مثلاً خوب نیست کنار مسجد پاساژسازی شود.

وقتی از او می‌پرسیم الان چه کسی متولی این ساختمانی که به نام مسجد ساخته شده، است و چه کسی باید پیگیر باشد که چرا اسم مسجد روی آن نیست؟ اینطور پاسخ می‌دهد، من نمی‌خواهم وارد دعاها شوم. دوستان شهرداری می‌گویند که از ابتدا می‌خواستند اینجا مجتمع فرهنگی - هنری باشد و چون در نقطه‌ی مهمی از شهر واقع شده کنارش نمازخانه هم باشد. حالا اینکه چرا این بنا این طور شده باید شهرداری و شورای شهر پاسخ دهند چون مشخص است که متولی شهرداری است. آن‌ها ۲۰۰ مسجد ساخته‌اند که هرطوری شده خودشان باید جواب بدهند.

او در عین حال ادامه می‌دهد، اینکه صاحب ساختمان کیست هم بستگی دارد. یعنی اگر اینجا صد درصد به عنوان مسجد باشد، شبستان برای ماست. اگر رواق داشته باشد اوقاف ورود پیدا می‌کند، ضمن اینکه ممکن است براساس قراردادهای پیمانکاری، بخش‌هایی از ساختمان را هم آن‌ها در اختیار بگیرند، اما درباره‌ی این ساختمان قرار اولیه این بوده که همان مجتمع فرهنگی باشد.

آقایی با اشاره به اینکه شنیده است که این ساختمان به زودی افتتاح می‌شود اما از تاریخ دقیق آن اطلاعی ندارد، اضافه می‌کند، ما منتظر می‌شویم که ساختمان افتتاح شود. اگر به ما مسجد تحویل دادند که برایش امام جماعت تعیین می‌کنیم اما اگر مسجد نباشد آن وقت باید ببینیم در ادامه چه می‌کنیم.

این مباحث و تاکید بر اینکه شهرداری باید پاسخگو باشد در حالی مطرح می‌شود که علی اسماعیل زاده - مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱ - به ایسنا تاکید می‌کند، هر چیزی که به مسجد ولیعصر (عج) مربوط باشد، دست سازمان فنی عمران شهرداری است و کل اطلاعاتش در اختیار آن‌هاست. ما هیچ دخل و تصرفی نداریم.

او با اشاره به اینکه حتی بحث افتتاح نیز با همین مجموعه‌ی مورد اشاره‌ی اوست، درباره اینکه متولی بنا کیست و کاربری آن چه خواهد بود؟ ادامه می‌دهد، این مسجد فقط در منطقه‌ی ما واقع شده و به ما چیزی تحویل نداده‌اند. اینجا کاربری مستقل پیدا می‌کند چون مجموعه‌ی فرهنگی است.

در نهایت آنچه به طور خلاصه می‌شود از این ماجرای ۱۰ - ۱۵ ساله گفت این است که روزی سنگ بنایی در یک محوطه که پارکینگ تئاتر شهر بود به نام ساخت مسجد زده شد که امروز بر سر مسجد بودن یا نبودن آن حرف و حدیث و تردید زیاد است و در شرایطی که حتی زمزمه‌های زیادی از واگذاری آن به دستگاهی دیگر شنیده می‌شود فقط یک نفر علنی و با سروصدای زیاد که تا بی‌بی‌سی هم رسیده، برای مالیکت این ساختمان ادعا و پیگیری می‌کند که آن هم کسی نیست جز میرحیدر جعفری؛ روحانی‌ای که اگرچه ابراز ناراحتی می‌کند که چرا اینجا مسجد جامع نشده، اما حاضر است با هر وسیله‌ای شده این ساختمان را به دست آورد. اگر اینجا را با زبان و به راحتی تحویل دادند که هیچ، وگرنه ما آماده‌ی مقابله هستیم، یعنی افرادی آنجا هستند و من هم به عنوان امام جماعت، استقامت می‌کنم؛ چون این

دستور امام است که باید استقامت و مقابله کرد. اگر ما را نادیده بگیرند و به حساب نیاورند، من به تنهایی با نیروهای خودم و با خانم‌هایی که از آقایان جلوتر و تواناتر هستند، مقابله می‌کنیم.

خبر آنلاین

۷۰۵